

جست‌وجوی نو در  
حاشیه‌های نظام

# دموکراتیک

با الهام از دیدگاه‌های شهید مزاری



محمد اسحاق عارفی

## مقدمه

برداشت و فهم اولیه از حضور و مشارکت هزاره‌ها بعد از شهادت استاد شهید مزاری، در ساختارهای سیاسی جامعه افغانستان، این است که این مردم جایگاه شایسته خود را در موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باز نیافته و به سمت انکشاف و توسعه که استحقاق‌شان بوده است، نرفته‌اند. این فهم را که تا چه حدودی به واقعیت نزدیک است و یا نه، به داوری نگرفته و در این نوشته تلاش می‌شود تا فرصت‌های مغفول که در حاشیه یک نظام دموکراتیک ایجاد شده است و تأثیر فوق‌العاده و شگرف در ارتقای جایگاه سیاسی، اجتماعی و رفاهی هزاره‌ها در ساختار نهادهای جامعه و کشور افغانستان دارد، مورد توجه قرار بگیرد. این نوشته بر بنیاد دیدگاه‌های الهام‌بخش شهید مزاری و به مناسبت تجلیل از سال‌یاد شهادت آن شهید حق و عدالت، تدوین یافته است.

## الف. حاشیه‌های نظام دموکراتیک!

یکی از آرمان‌های بنیادین و استراتژیک شهید مزاری، تأسیس و ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار در افغانستان است. این مطالبه بدون مبالغه به مثابه آرمان بنیادین شهید مزاری مورد توجه و عنایت ایشان در تمامی مراحل مقاومت عدالت‌طلبانه‌شان در غرب کابل بوده است و ایجاد و انجام این امر را به عنوان رویکرد اساسی حزب وحدت اسلامی افغانستان و هزاره‌های کشور می‌دانستند. نظام سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار دارای وجهه‌ها و جلوه‌های مستقیم و تأثیرگذار است که اجرا و عملیاتی‌سازی ساز و کارهای آن، تحولات جدی و تغییرات اساسی را در محتوا و شیوه‌های سیاست، مدیریت و رهبری جامعه به وجود می‌آورد. حضور و مشارکت در فرایندهای ملی چون انتخابات از جلوه‌های مستقیم نظام دموکراتیک است که حضور و تأثیرگذاری شهروندان را در تعیین مقدرات سیاسی و اجتماعی‌شان تمثیل می‌نماید. مشارکت در انتخاب و گزینش اساسی‌ترین مدیران

”

احترام به کرامت  
بشری، رعایت آزادی‌ها  
و احترام به حقوق و  
امتیازات شهروندی،  
پذیرفته شدن تکثر  
و هم‌پذیری‌های  
اجتماعی، از همه  
مهم‌تر قانون‌گرایی و  
قانون‌مداری و رعایت  
بسیاری از ارزش‌های  
دموکراتیک و انسانی در  
نظام‌های مردم‌سالار  
زمینه‌ای را ایجاد  
می‌نماید که شهروندان  
کشور به سمت  
ارتقای جایگاه خویش  
شتافته و به دور از  
مزاخمت‌های نظام  
سیاسی به ارتقای  
جایگاه و ظرفیت‌های  
توانمندانه خویش  
بپردازند.

“



عزاد امید

۱۵۶

سیاسی چون؛ رئیس‌جمهور، اعضای قوه‌  
مقننه، اعضای مجالس شاروایی و شوراهای  
ولایتی و اُسوالی و مانند آن، از جلوه‌های  
شگفت‌انگیز و مستقیم چنین نظام‌هایی  
است که جایگاه و موقعیت واقعی شهروندان را  
در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی  
و فرهنگی جامعه تأمین می‌کند.

در این میان اما؛ جلوه‌های حاشیه‌ای نظام‌های  
مردم‌سالار، یکی از طلایی‌ترین فرصت‌هایی  
است که زمینه‌ی ارتقای ظرفیت و بازآوایی  
موقعیت‌های واقعی شهروندان را به صورت  
عینی تمهید می‌کند. احترام به کرامت  
بشری، رعایت آزادی‌ها و احترام به حقوق  
و امتیازات شهروندی، پذیرفته شدن تکثر  
و هم‌پذیری‌های اجتماعی، از همه مهم‌تر  
قانون‌گرایی و قانون‌مداری و رعایت بسیاری از  
ارزش‌های دموکراتیک و انسانی در نظام‌های  
مردم‌سالار زمینه‌ای را ایجاد می‌نماید که  
شهروندان کشور به سمت ارتقای جایگاه  
خویش شتافته و به دور از مزاخمت‌های نظام  
سیاسی به ارتقای جایگاه و ظرفیت‌های  
توانمندانه خویش بپردازند. درحاشیه‌ی نظام‌های  
دموکراتیک، ظرفیت‌های بسیار نهفته‌ای وجود  
دارد که با تلاش و سعی‌ورزی‌های اشخاص،  
گروه‌ها و نهادهای اجتماعی به فعلیت رسیده  
و جایگاه‌های اقتصادی، رفاهی، علمی و  
سیاسی اشخاص ارتقا می‌یابد. تجربه حضور  
همگانی مردم ما در عرصه‌ی علم و سوادآموزی،  
اسکان‌یابی در کلان‌شهرهای کشور، ایجاد و  
تأسیس نهادهای علمی و آکادمیک خصوصی  
و مانند آن از مصادیق فرصت‌های نهفته‌ای  
است که در حاشیه‌ی نظام دموکراتیک و در مدت  
بسیار کوتاهی به ثمر نهشته است.

بر بنیاد همین تحلیل بوده است که شهید  
مزاری تأکید استراتژیک بر تأسیس نظام

حاکمیتی مردم‌سالار داشته و اصل انتخاباتی  
بودن نهادهای حکومتی را تنها راه حل شکستن  
سیستم انحصار می‌داند. شهید مزاری در یکی  
از مصاحبه‌های‌شان تأکید می‌کند که: «ما  
تنها راه حل مسئله افغانستان را در انتخابات  
می‌دانیم... ما معتقدیم که انتخابات باید  
به‌طور کامل آزاد باشد و همه‌ی مردم افغانستان  
بتواند در آن شرکت کنند، ما سیستم انحصار  
را به هر شکل و شیوه‌شان رد می‌کنیم و طرفدار  
شرکت کلیه‌ی مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر،  
جوان و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان  
هستیم». شهید مزاری در همین مصاحبه بر  
التزامات همه شمول و فراگیر انتخابات تأکید  
داشته و حضور همه‌ی شهروندان کشور را در  
اعمال حق رأی‌شان مهم می‌داند و در همین  
راستا، بخش وسیع از جامعه شهروندی کشور  
را جهت استفاده از حق رأی‌شان نیز ترغیب  
می‌کند. شهید مزاری با تأکید بر حضور زنان در  
عرصه‌ی انتخابات اعلام می‌کند: «این عادلانه  
نیست که مردان حق شرکت در انتخابات  
داشته باشند؛ ولی زنان از این حق مسلم  
انسانی - اسلامی‌شان محروم باشند، همه حق  
دارند که در انتخابات شرکت نمایند».

تأکیدات صریح و قاطعانه‌ی استاد شهید بر  
بنیادی بودن تأسیس نظام دموکراتیک و متکی  
بر انتخابات و حضور قاطعانه و همه شمول  
شهروندان افغانستان اعم از زن و مرد، حاکی  
از عمق اشرف و مطالعه شهید مزاری جهت  
دست‌یابی به هدف مهم شکستن سیستم  
انحصار و متمرکز، نظام چندین‌قرنه‌ی سیاسی  
بر افغانستان است که مشارکت همه‌ی شهروندان  
را ضامن این مهم دانسته و بر حضور همه‌ی  
مردم در تعیین سرنوشت‌شان تأکید داشته  
است. تأکید شهید مزاری بر تأسیس نظام  
دموکراتیک و انتخابی، تنها ناظر به جلوه‌ها و

”

شهید مزاری بدون شک این فهم را به صورت دقیق از وضعیت سیاسی اجتماعی کشور داشته است که نظام انحصار، نظام صرفاً سیاسی نیست؛ بلکه دارای عقبه‌های اجتماعی و فرهنگی قدرتمند است که در مدت کوتاه قابل شکستن نمی‌باشد.

“



عزائمید

۱۵۷

و طلایی جهت تأمین ارتقای ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش استفاده کنند.

به نظر می‌رسد که یکی از دلایل عدم ارتقای ظرفیت‌های سیاسی هزاره‌ها عدم استفاده دقیق و برنامه‌ریزی شده از حاشیه‌های نظام دموکراتیک در کشور بوده است، به گونه‌ای که از طریق آن بتواند به منابع اصلی اقتدار هم چون؛ علم، اقتصاد و سیاست کشور نزدیک شود. هرچند در برخی از موارد، بدون برنامه و پالیسی و براساس جبر و الزامات معیشتی و ذهنیت‌های بلند پروازانه فردی جهت دسترسی به برخی از منزلت‌های اجتماعی، به دستاوردهای نایل شده‌ایم؛ ولی ما نیازمند حرکت و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر جهت استفاده از حواشی نظام دموکراتیک و حتی بیشتر از برنامه‌ریزی برای بهره‌وری از ظرفیت‌های مستقیم نظام مردم‌سالار، هستیم. حضور در این حوزه به دلیل وجود موانع و چالش‌های کمتر، نتایج سریع و پر دستاوردی را به ارمغان خواهد آورد.

### ج. ضرورت برنامه‌ریزی جهت بهره‌وری از حاشیه‌های نظام

#### مردم‌سالار بنیاد اندیشه

ما در عرصه آموزش علم و تحصیل به گونه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی هستیم که فارغان ما با اتکاء به تلاش شخصی و تحصیل که انجام داده است در رده‌های مهم از منزلت‌های شغلی و اجتماعی قرار گرفته و رهبری علم و عمل خویش را خود به عهده داشته و دیگران را نیازمند به علم، تکنولوژی و فناوری‌های دست داشته‌شان بنماید. تحصیل کرده‌های ما نیاز نداشته باشند که برای امرار معاش و تأمین حداقل‌های زندگی‌شان تن به ادارات دولتی و غیردولتی

تأثیرات مستقیم آن در نهادینه‌سازی ارزش‌های دموکراتیک و رعایت حقوق شهروندی نبوده و نمی‌باشد؛ بلکه وجهه و جلوه‌ها حاشیه‌ای نظام دموکراتیک و مردم‌سالار نیز یکی از محورهای مورد دقت و توجه شهید مزاری نیز بوده است. به همین دلیل برای ایجاد و تأسیس نظام دموکراتیک پافشاری کرده است.

### ب. عدم برنامه‌ریزی دقیق جهت بهره‌وری از حاشیه‌های نظام مردم‌سالار

شهید مزاری بدون شک این فهم را به صورت دقیق از وضعیت سیاسی اجتماعی کشور داشته است که نظام انحصار، نظام صرفاً سیاسی نیست؛ بلکه دارای عقبه‌های اجتماعی و فرهنگی قدرتمند است که در مدت کوتاه قابل شکستن نمی‌باشد؛ بلکه یک مبارزه مستمر اجتماعی و فرهنگی لازم دارد تا لایه‌های درونی جامعه از رسوبات غیراخلاقی انحصار و ستم تصفیه گردیده و قانون‌مداری به عنوان یک ارزش اخلاقی، مورد توجه قرار بگیرد. ممکن است که از منظر اسناد تقنینی و ایجاد ساختارهای نهادی، چینش‌های عادلانه و مشارکت‌پذیر صورت گرفته باشد و حتی رهبری نظام سیاسی نیز بر آن تأکید کرده باشد؛ ولی اجرای آن به موانع سنگین اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که در لایه‌های اداری و سیاسی کشور لانه گزیده است، برخورد نموده و پلان‌ها، برنامه‌ها و پالیسی‌های تقنینی و اجرایی رهبری حکومت و دولت را به شکست مواجه گرداند. به همین اساس، شهید مزاری بر ایجاد و تأسیس نظام دموکراتیک تأکید داشته است که تا اجرایی شدن نهادهای عادلانه و ساختاری دموکراتیک، حاشیه‌های پراز فرصت این نظام مورد بهره‌برداری قرار گرفته و شهروندان تحت ستم کشور از چنین فرصت‌های نهفته

”

بهره‌وری از فرصت‌های  
مستقیم نظام  
مردم سالار تا هنوز که  
هنوز است با مشکلات،  
موانع و پیچیدگی‌های  
جدی همراه است،  
به گونه‌ای که حضور  
مردم ما را با مشکل  
که حتی با بن بست‌ها  
و گره‌های عدیده‌ای  
مواجه کرده است.

“



حاشیه‌ای با پلان و برنامه مشخصی حرکت کرده و با استفاده از فرصت نهفته و پنهانی نظام دموکراتیک و مردم سالار، در جهت ارتقای جایگاه‌های شهروندی خویش استفاده کنیم.

#### د. نتیجه‌گیری

با این تحلیل به این نتیجه می‌رسیم که حمایت از ساختار سیاسی مردم سالار موجود و سازمان و نظم مبتنی بر قانون اساسی کشور، یکی از ضرورت‌های حیات سیاسی و اجتماعی شهروندان کشور و به خصوص اقلیت‌های تحت ستم است. نکته مهم دیگر این است که؛ اقلیت‌های تحت ستم تا هنوز که هنوز است از جلوه‌های مستقیم نظام مردم سالار کشور، در جهت ارتقای جایگاه شهروندی خویش به صورت کامل و قابل توجه دست نیافته و هنوز درگیر یک مبارزه طولانی و دراز مدت است تا رعایت حقوق شهروندی و توزیع منابع و فرصت‌های برابر ملی به صورت یک هنجار اخلاقی و انسانی درآمده و موانع بهره‌مندی از حقوق و امتیازات شهروندی برداشته شود. به همین سبب لازم است که با برنامه‌ریزی دقیق تر جهت استفاده از فرصت‌هایی که در حاشیه نظام مردم سالار و دموکراتیک سیاسی ایجاد می‌شود، سرعت حرکت به سمت ارتقای جایگاه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش را بیشتر کرده و در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری را انجام بدهیم.

#### منابع

۱. غفاری لعلی، عبدالله، فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری)، کابل، بنیاد اندیشه، ۱۳۹۷، صفحه ۴۱.

سپرده و کارمندی را تنها فرصت زندگی خویش به شمار آورد. در عرصه اقتصادی، لازم است که برنامه‌ریزی‌های دقیق انجام گردیده و با توان مدیریت و خلاقیت‌های فردی و جمعی خویش، جایگاه اقتصادی مردم خود را هم سطح سایر شهروندان کشور ارتقا بخشیده و در درون نظام اقتصادی مملکت خویش حضور و بروز قدرتمند داشته باشند. در عرصه سیاسی نیز لازم است که در پروسه‌های ملی به صورت وسیع و جدی شرکت کرده و تهدیدهای این مسیر را به فرصت تبدیل کنند. تجربه عدم حضور مردم ما در انتخابات شورای ملی میزان سال ۱۳۹۷ یکی از شکست‌های جدی بود که مردم ما در این زمینه متحمل شدند. فرصت انتخابات فرصت‌های طلایی است که لازم است با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده در این عرصه‌ها حضور به هم رسانده و پروسه‌های ملی را تا جایی که امکان داشته باشد، به نفع مردم خویش هدایت کنیم.

بهره‌وری از فرصت‌های مستقیم نظام مردم سالار تا هنوز که هنوز است با مشکلات، موانع و پیچیدگی‌های جدی همراه است، به گونه‌ای که حضور مردم ما را با مشکل که حتی با بن بست‌ها و گره‌های عدیده‌ای مواجه کرده است. حضور مردم ما در ادارات دولتی در عین حال که اصلاحات ساختاری جدی در این زمینه به وجود آمده است، هم‌چنان با مانع روبه‌رو است. هم‌چنان در عرصه‌های توسعه‌ای برنامه‌ها و پلان‌های اساسی ریخته شده است؛ ولی باز هم با موانع جدی برخورد و عملیاتی شدن آن، خود معضل دیگری شده است. نبود تشکل مقتدر سیاسی نیز بر مشکل ما افزوده و هم‌چنان در عرصه‌های سیاسی دچار واگرایی‌هایی قابل توجه هستیم. بنابراین، لازم است که در جهت استفاده از فرصت‌های